

تخلص در غزلیات سنائی

دکتر سید کاظم موسوی^۱

طوبی عزیزی^۲

چکیده

تخلص نام شاعری هر شاعر به ویژه شاعر غزلسرایی است که ضمن معرفی شعرش می‌تواند اهداف و مقاصد دیگری نیز در برداشته باشد. تخلص هر شاعری بنا به خواست خود او، موقعیت علمی، اجتماعی و سیاسی و صبغه و روش شعرسراییش به او اختصاص پیدا کرده است.

در این تحقیق تخلص در غزل سنائی از نظر شخص دستوری (سوم شخص مفرد و دوم شخص مفرد منادا) و خطاب و فراوانی نسبی خبر و پیام در بیت تخلص مورد بررسی قرار گرفته، آرایه‌های ادبی شاخص که باعث گسترش معنا شده است نشان داده شده، سپس به بررسی موضوع و درون مایه تخلص و جایگاه تخلص در غزل پرداخته شده است و کمیت آماری اهم موارد ذکر شده طبق جدول‌های فراوانی نسبی و درصد تقریبی ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: تخلص، سنائی، خبر، پند و پیام، عشق

مقدمه

تخلص کلمه یا عنوانی است که شاعر در شعر خود می‌آورد و معمولاً خود را مورد خطاب قرار می‌دهد. مرحوم دهخدا در لغت نامه بیان می‌کند که کلمه «تخلص» به معنی رهایی یافتن و در اصطلاح شعرا نام ممدوح را آوردن است. (ر.ک. دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۵۷۱۰) و در معنای دیگر ناظم الاطبا آورده است: «نامی که شاعر برای خود مقرر کند و بدان مشهور گردد مانند فردوسی و سعدی و حافظ و جز آنها. و هر بیتی که شاعر تخلص خود را در آن آورد.» (نقیسی، بی‌تا، ۸۲۹) مرحوم استاد جلال الدین همایی نیز تخلص را به معنی آوردن نام شاعری در شعر و دیگر به معنی گریز زدن از پیش درآمد تشبیب و تغزل به مدیحه یا موضوع دیگر ذکر کرده‌اند. (ر.ک. همایی، ۱۳۶۱، ص ۹۹)

کاربرد تخلص در شعر فارسی ضمن معرفی شاعر از جنبه‌های دیگر نیز مهم است. در شعر فارسی شاعران قدرتمندی مانند سنائی، خاقانی، سعدی، حافظ و دیگران از تخلص استفاده کرده‌اند و استفاده این شاعران بزرگ از تخلص نشان دهنده این مطلب است که تخلص در دید و نظر آنان بسیار مهم بوده است و آنان در کاربرد تخلص بسیار جدی بوده‌اند. صرف نظر از بار معنایی تخلص که به ذوق و نیت شاعر، اوضاع اجتماعی و فرهنگی و عوامل دیگر بستگی داشته، کلمه تخلص از نظر آوایی نیز باید خوش وزن و خوش تراش بوده تا در وزن‌ها و بحر‌ها به راحتی قابل استفاده باشد. دکتر شفیع در این باره آورده‌اند: مثلاً «شهریار» در غزلی که به استقبال شعر معروف شادروان ملک الشعرای بهار، می‌گوید: برای آوردن تخلص خود «شهریار» با تنگنای وزن و قافیه روبرو شد ولی به خوبی از عهده کار بر می‌آید.

در قافیه گو نام نگنجد بدرستی در هم شکن، ای «شهر» که «یاران» همه رفتند. (ر.ک. شفیع کدکنی، ۱۳۸۶، صص ۸۱-۸۰)

خاقانی نیز در چنین تنگنایی کلمه «خاقانی» را به صورت مخفف «خاقنی» مورد استفاده قرار داده است.

در شهادت‌گه عشق است رسیدن مشکل خاقانی راه چنان نیست که آسان برسم (خاقانی، ۱۳۶۸، ص ۶۴۸)

این جدیت در کاربرد تخلص به دلیل اهمیت آن است و همین تگناها باعث شده بعضی از تخلص‌ها که شرایط مطلوب را داشته‌اند مورد استفاده شاعران متعدد قرار گیرد و تخلص‌های مشترک بوجود آید که در شناخت شاعران

۱- دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهرکرد

و شعر آنان مشکلاتی ایجاد کرده است؛ مثلاً: دکتر خیامپور در کتاب «فرهنگ سخنوران»، ذیل عنوان تخلص «صدر» سی و سه مورد ذکر کرده‌اند که چهار مورد اصفهانی (صدر اصفهانی) و بقیه پسوندهای دیگری دارد. (ر.ک. خیامپور، ۱۳۴۰، صص ۳۳۵-۳۳۲)

سنائی اولین شاعری است که تخلص را به طور جدی در غزل به کاربرد. حدود ۴۴ درصد از غزل‌های او دارای تخلص است و از سوی دیگر سنائی اولین شاعری است که عرفان را وارد شعر و غزل می‌کند. این همسانی می‌تواند از اهمیت خاصی برخوردار باشد. غزل، عرفان و تخلص نوعی شخصیت بخشی شعری به این مقوله است. با ورود گسترده غزل در شعر فارسی، بازار شعر مدحی و قصیده نیز از رونق می‌افتد و زمینه برای بوجود آمدن قالب غزل به عنوان قالبی مستقل آماده می‌شود. تخلص در قصیده در پایان تغزل می‌آمد و پس از آن مدیحه آغاز می‌شد و در آن‌گونه شعر، تخلص معادل نام ممدوح بود ولی با ورود عرفان در شعر و استقلال یافتن تغزل به عنوان قالبی مستقل با نام غزل، مفهوم تخلص نیز دگرگون شد؛ یعنی تخلص دیگر نام ممدوح نبود بلکه نام شاعری شاعر بود که در پایان شعر می‌آمد. چنان‌که دکتر شمسیا می‌گوید: «تخلص در قصیده در وسط شعر، بین دو بخش وصف و مدح قرار دارد. وقتی بخش مدح از بین رفت، بیت تخلص، بیت پایانی شد. منتهی تخلص در قصیده، اسم بردن از ممدوح است و در غزل آوردن اسم شاعر» (شمسیا، ۱۳۷۰، ص ۵۴) ضمن پذیرفتن این مطلب باید این مسئله را مورد توجه قرار داد که البته شاعران به این مطلب آگاه بوده‌اند که بیت پایانی تأثیر گذارتر از ابیات دیگر است؛ بنابراین معمولاً تخلص را در بیت پایانی آورده‌اند و بطور تصادفی و اتفاقی تخلص در بیت پایانی قرار نگرفته است. در این باره نبوی نژاد نیز می‌گوید: «از قرن ششم به ویژه اواخر آن غزل توسط شاعرانی چون سنائی و انوری ضمن تحول و تکامل، اعتبار و انتشاری هم پای قصیده یافت و از تغزل (نسیب و تشبیب قصیده) جدا شد.» (نبوی نژاد، ۱۳۸۲، ص ۱۰۹) اولین شاعری که خود را به آوردن تخلص مقید کرده است سنائی است، چنانچه دکتر شفیع کدکنی می‌گوید: «می‌توان گفت که نخستین شاعری که در غزل، خود را تا حدی مقید به آوردن تخلص کرده است (تا حدود چهل درصد) سنائی است در پایان قرن پنجم و آغاز قرن ششم که غزل‌های او، شمار چشم‌گیری در حدود چهارصد غزل را تشکیل می‌دهد و بخش قابل ملاحظه‌ای از آن‌ها دارای تخلص است.» (شفعی کدکنی، ۱۳۸۶، ص ۷۳) به نظر می‌رسد تخلص از ابتکارات شعر فارسی باشد؛ چنانچه دکتر نیک منش در این باره می‌گوید: «تخلص در معنی دوم [آوردن نام شاعری شاعر] در شعر عربی و انگلیسی سابقه ندارد، از این رو می‌توان گفت ذکر نام شاعر در شعر از ابتکارات شعر فارسی است.» (نیک منش، ۱۳۸۲، ص ۳۸) در مورد تخلص آشکار و پنهان نیز موسی پرنیان آورده است تخلص در شعر فارسی معمولاً به صورت آشکار و صریح است، مانند: «حافظ» و «سعدی» و بعضی مواقع نیز به صورت پنهان است، مانند: «خاموش» یا «خاموش» برای مولوی در غزلیات شمس. (ر.ک. پرنیان، ۱۳۸۰، ص ۳۶۵)

شاید نتوان نیت و هدف واقعی شاعر را از کاربرد تخلص دریافت ولی از بررسی ابیاتی که نام شاعری شاعر به عنوان تخلص در آن ادبیات آمده است می‌توان به نکات ارزشمندی رسید؛ از جمله این که بعضی مواقع بیت تخلص خلاصه‌ای از شعر را در بردارد و به نوعی حاصل شعر است. معمولاً در بیت تخلص کلمه تخلص را به صورت سوم شخص مفرد بکار برده‌اند و از خود در مقام سوم شخص مفرد خبر می‌دهند و یا اینکه خود را در مقام دوم شخص مفرد (منادا) مورد خطاب قرار می‌دهند.

تخلص سنائی

اینکه تخلص سنائی به چه دلیل انتخاب شده است به درستی روشن نیست. دکتر ذبیح الله صفا در کتاب تاریخ ادبیات ایران نام سنائی را «مجدود بن آدم سنائی» ذکر کرده است. (ر.ک. صفا، ۱۳۶۶، ص ۵۵۲) در مقدمه مدرس رضوی بر دیوان سنائی در این باره عبارتی از سنائی به این شرح آمده است: «روزی من که مجدود بن آدم سنائی‌ام در مجدوسنائه این کلمات نگاه کردم» (مدرس رضوی، ۱۳۶۲، ص سی و یک)

سنائی در ابیاتی نیز نام خود را «مجدود سنائی» آورده است. مانند:

در شهادت‌گه عشق است رسیدن مشکل / خاقانی راه چنان نیست که آسان برسم
(خاقانی، ۱۳۶۸، ص ۶۴۸)

کی نام کهن گردد مجدود سنائی را / نونو چو می آراید در وصف تو دیوانها
(دیوان سنائی، ص ۱۸)

در شهادت‌گه عشق است رسیدن مشکل / خاقانی راه چنان نیست که آسان برسم
(خاقانی، ۱۳۶۸، ص ۶۴۸)

مجدود شد و یافت سنا نزد تو بیشک / از جود تو و جاه تو مجدود سنائی
(دیوان سنائی، ص ۶۰۷)

در شهادت‌گه عشق است رسیدن مشکل / خاقانی راه چنان نیست که آسان برسم
(خاقانی، ۱۳۶۸، ص ۶۴۸)

جان تو که مجدود سنائیت ندارد / جز بهر ثناهای تو جانی و زبانی
(دیوان سنائی، ص ۶۹۱)

دکتر خیامپور نیز در کتاب فرهنگ سخنوران درباره سنائی چنین آورده‌اند: «سنائی غزنوی [ابوالمجد مجدود بن آدم-ششم]» (خیامپور، ۱۳۴۰، ص ۲۷۷) ادوارد براون هم در کتاب تاریخ ادبیات ایران آورده است: «سنائی غزنوی یا بلخی، که نام کاملش ابوالمجد مجدود بن آدم بود نخستین کسی از سه سراینده بزرگ مثنوی صوفیانه فارسیست» (براون، ۱۳۶۶، ص ۲۱) درباره کلمه «سنا»، ناظم الاطبا آورده است: «سنا: بلندی و رفعت» (نقیسی، بی تا، ص ۱۹۴۰) و در فرهنگ فارسی معین «سنا» و شکل فارسی آن «سنا»، روشنائی، فروغ و بلندی و رفعت معنی شده است. (ر.ک. معین، ۱۳۶۰، ص ۱۹۲۵) با توجه به ابیات ذکر شده به نظر می‌رسد شاعر تخلص «سنائی» را بنا به بلندی و رفعتی که به لحاظ پرداختن به عرفان و موضوعات الهی و معنوی داشته است، برگزیده است.

تناسب مفهوم تخلص و محتوای شعر

کلمه «سنائی» از نظر معنایی بسیار پر بار است و معنایی فوق العاده مثبت دارد؛ مضافاً اینکه این تخلص برای شعری که محتوای عرفانی دارد بسیار مناسب است. واضح است که از شناخت و عرفان بسیار به نور تعبیر شده است و این حسن انتخاب، گویای هوش وافر شاعر است. کلمه «سنائی» از نظر آوایی و موسیقایی نیز خوش وزن و خوش تراش است و شاعر در کاربرد این تخلص در تنگنای وزن و قافیه گرفتار نشده است. گویا شاعر خلاصه شخصیت خود را در کلمه‌ای یافته، چنان به آن دل بسته شده که معمولاً شعرش را بدون آن کلمه به پایان نمی‌برد. تخلص شاعر مانند شعرش نمود گویایی از درون و شخصیت اوست که جنبه عاطفی و موزون پیدا کرده است. تخلص شاعر می‌تواند معیاری برای شناخت هویت و روحیه او باشد. شاعر کلمه‌ای خوش وزن و خوش تراش را به عنوان تخلص انتخاب می‌کند که در وزن‌های مختلف، او را به زحمت نیندازد؛ در عین حال از نظر مفهومی در راستای تفکر و بایدها و نبایدهای او باشد. انطباق این دو خصوصیت در یک کلمه کار را دشوار می‌کند. بنابراین تخلص شاعر بسیار هوشمندانه انتخاب شده است. به نظر می‌رسد در بعضی مواقع «تخلص» جنبه بازدارندگی نیز داشته باشد. مثلاً شاید همین تخلص «سنائی» که به معنی رفعت و بلندی و نور است که غربال انتخاب او را دقیق‌تر به کار انداخته و او در شأن خود ندانسته در غزلش از هر کلمه‌ای استفاده کند و هر شعری بسراید. این مطلب در تخلص شاعران دیگر نیز مصداق دارد.

از نظر آوایی و موسیقایی نیز تخلص او «سنائی» با وزن و کلمات شعرش هماهنگی دارد. این‌ها همه می‌تواند ما را به جایی رساند که بپذیریم شاعر کلمه تخلص را با دقت و هماهنگی با مفهوم و پیام و کلمات و آهنگ و وزن

شعر انتخاب کرده است. به عبارت دیگر تخلص شاعر می‌تواند نمونه و نمادی از محتوا و درون‌مایه شعر و پسند شاعر باشد؛ در عین حال با الفاظ و آهنگ و وزن شعر هماهنگ باشد.

تخلص سنائی از نظر شخص و خطاب و درون‌مایه

در غزل سنائی حدود ۸۶ درصد از تخلص‌ها به صورت سوم شخص مفرد به کار رفته است. ابیاتی که تخلص در آن به صورت سوم شخص مفرد به کار رفته است معمولاً جنبه خبری دارد. این خبر وصف الحال شاعر است با تخلص خاص خود. اما این خبر محدود به شاعر نمی‌شود. شاعر از خود به عنوان سوم شخص مفرد خبر می‌دهد ولی در واقع او از همه انسان‌ها خبر می‌دهد. این خبر یک خبر انسانی است. خبری از حالت و وضعیت انسان آرزویی شاعر. تخلص مربوط به شاعر است اما محدود به شاعر نمی‌شود. به نظر می‌رسد وقتی شاعر اندیشه و سخن خود را فراتر از یک اندیشه شخصی می‌یابد، به خود اجازه می‌دهد این سخن را مربوط به همه انسان‌ها بداند و با عنوان تخلص خود آن را بیان کند. دلیل این مطلب اینکه خبر یا پیامی که در بیت تخلص مطرح می‌شود معمولاً جنبه شخصی و فردی ندارد. به قول مولوی در مثنوی:

جان گرگان و سگان هر یک جداست متحد جانهای شیران خداست

الف - تخلص به صورت سوم شخص مفرد

در غزل سنائی حدود ۱۲ درصد از تخلص‌ها به صورت دوم شخص مفرد (منادا) به کار رفته است که جنبه پند و پیام و خبر دارد. در ابیاتی که جنبه پند و پیام دارد، شاعر معمولاً با اقتدار سخن می‌گوید، چون پند و پیامی دارد. در واقع شاعر به نتایج رسیده است که می‌تواند به طور جزمی به پند و نصیحت پردازد اما چون خود را مورد خطاب قرار می‌دهد، این قطعیت و جزمیت آزاردهنده نیست. شاعر خود را مورد خطاب قرار می‌دهد ولی خطاب او خطابی عام است. دیگران نیز پیرامون پند و پیام او تأمل کرده، به طور منطقی آن را می‌پذیرند. لذا پند شاعر پندی خردگرایانه است نه تکلیف‌گرایانه.

۱- خبر:

نور رخ مصطفی (ص) بس بود آنس آنس

(دیوان سنائی، ص ۹۰۳)

از وی وفا از تو جفا آخر نگوئی چند ازین

(دیوان سنائی، ص ۹۸۸)

گشته دل او کباب جاننش پراز جوش بین

(دیوان سنائی، ص ۹۹۱)

گر برانی ور بخوانی ای صنم فرمان تراست

(دیوان سنائی، ص ۸۱۳)

انس سنائی بسست خاک سر کوی تو

از جور تست اندر دعا دست سنائی بر سما

هست سنائی ز عشق بر سر آتش مدام

در همه حالی سنائی چاکر و مولای تست

۲- پند و پیام:

در چنین ابیاتی سنائی منادا نیست ولی به هر حال پند و پیام به صورت خطابی مطرح شده است.

هرگز ز می عشقش هشیار نباید شد

(دیوان سنائی، ص ۸۵۸)

کاری که کنی تو بی ریا کن

(دیوان سنائی، ص ۹۷۸)

چند روز است در ولایت تو

(دیوان سنائی، ص ۹۹۵)

خواهی که بیاسائی مانند سنائی تو

در جمله همیشه با سنائی

در وفا کوش با سنائی از آنک

عاشق نشوی اگر توانی
(دیوان سنائی، ص ۱۰۴۱)

اینست نصیحت سنائی

۳- شرط:

گر سنائی نیست اندر ساحری استاد تو
(دیوان سنائی، ص ۹۹۷)
چون پسته خوری تو شکرینه
(دیوان سنائی، ص ۱۰۱۳)

این همه سحر حلال آخر کت آموزد همی
گر روی کنی سوی سنائی

۴- پرسش:

کز عشق تو حال من دل سوخته چونست
(دیوان سنائی، ص ۸۱۸)
نکو نگذاشتی الحق نکو پیمان بسر بردی
(دیوان سنائی، ص ۱۰۲۷)

ای رفته ز نزدیک سنائی خبرت هست
همین بد با سنائی عهد و پیمان تو ای دلبر

بعضی مواقع نیز پرسش به صورت استفهام انکاری مطرح شده است. مانند:

یا چو تو دلبر زیبایی که دید
(دیوان سنائی، ص ۸۷۷)
کز حسن برون شدی ز اوصاف
(دیوان سنائی، ص ۹۱۵)

از سنائی زارتر در عشق کیست
اوصاف تو چون کند سنائی

۵- دعا و آرزو:

خیز تا خط فنا گرد سنائی در کشیم
(دیوان سنائی، ص ۹۵۶)
گر نماند بر بساط قرب شاهان بی نشاط
(دیوان سنائی، ص ۹۱۴)

این همه تردامان را خشک بادا دست و پا
از دل آمد بر سنائی کس مباد اندر جهان

ب- تخلص به صورت دوم شخص مفرد (منادا)

در غزل‌های سنائی تخلص بیشتر به صورت سوم شخص مفرد (او) به کار رفته است و در مواردی نیز به صورت دوم شخص مفرد (تو و منادا) محتوای تخلص‌هایی که به صورت سوم شخص مفرد به کار رفته است، معمولاً خبری است و پس از آن پند و پیام و در مواردی نیز شرط و پرسش و دعا و آرزو که نمونه‌های شعری از موضوعات ذکر شده به شرح زیر ارائه می‌گردد.

خبر

فارغ از بنند و دام و دانه تو
(دیوان سنائی، ص ۱۰۰۱)
چون نیست ترا زو چو ز خورشید سنائی
(دیوان سنائی، ص ۱۰۱۹)
بس خوش سخن و بزرگواری
(دیوان سنائی، ص ۱۰۳۰)
روز و شب مرد فسون و شعبده و افسانه‌ای
(دیوان سنائی، ص ۱۰۱۴)

ای سنائی همیشه مرغ تو زیست
خورشید رخست لیک چه سودست سنائی
دشمنام دهی که ای سنائی
بر خودی عاشق نه بر ما ای سنائی بهر آنک

پند و پیام:

در موارد دیگر نیز بیت تخلص به صورت دوم شخص مفرد (منادا) درون مایه پند و پیام دارد: پیام و پند آشکار شاعر معمولاً در ابیاتی آمده است که تخلص به صورت منادا به کار رفته است. در این گونه ابیات، شاعر معمولاً با اقتدار سخن می‌گوید؛ چون پند و پیامی دارد. در واقع شاعر به نتایجی رسیده است که می‌تواند به طور جزمی به پند و نصیحت پردازد اما چون خود را مورد خطاب قرار می‌دهد این قطعیت و جزمیت آزار دهنده نیست. شاعر خود را مورد خطاب قرار می‌دهد ولی خطاب او خطاب عام است. دیگران نیز پیرامون پند او تأمل کرده، به طور منطقی آن پند و پیام را می‌پذیرند، لذا پند شاعر، پندی خردگرایانه است نه تکلیف‌گرایانه. مثلاً سنائی می‌فرماید:

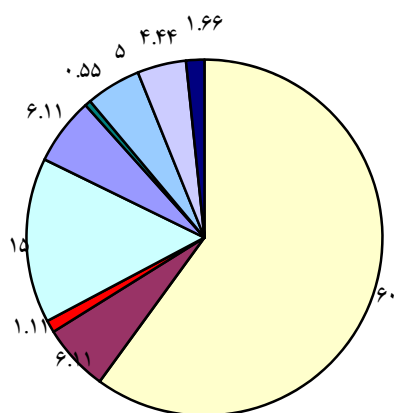
ای سنائی در ره ایمان قدم هشیار زن	در مسلمانان قدم با مرد دعوی دار زن (دیوان سنائی، ص ۹۷۱)
ای سنائی در شبستان غم‌ش	گرچه همچون نار بودی دود باش (دیوان سنائی، ص ۹۰۵)
ای سنائی دل ده و در بند کام خود مباح	راه رو چون زندگان چون مرده بر منزل مباح (دیوان سنائی، ص ۹۰۵)
ای سنائی کفر و دین در عاشقی یکسان شمر	جان ده اندر عشق و آنگه جان ستان را جان شمر (دیوان سنائی، ص ۸۹۷)

همان‌گونه که دیده شد تخلص‌های سنائی بیشتر به صورت سوم شخص مفرد (او) آمده است که معمولاً جنبه خبری دارد و در مواردی نیز به صورت دوم شخص مفرد (منادا) به کار رفته است که معمولاً جنبه پند و پیام و خبر دارد. البته موضوعات دیگری نیز در تخلص‌ها مطرح شده است که کمیت آماری موضوعات ذکر شده در تخلص غزلیات سنائی طبق جدول فراوانی نسبی و درصد تقریبی زیر محاسبه و ارائه می‌گردد (۱) و در پایان این کمیت آماری به صورت نمودار دایره‌ای ارائه گردیده است. (۱)

جدول شماره (۱): جدول فراوانی نسبی و درصد تقریبی تخلص‌های سنائی از نظر شخص و خطاب و درون‌مایه در غزل

محتوای تخلص		خبر		پند و پیام		شرط		پرسش		دعا و آرزو	
شخص تخلص	تخلص	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
تخلص به صورت سوم شخص مفرد		۶۰	۱۰۸	۱۵	۹	۵	۸	۴/۴۴	۳	۱/۶۶	
تخلص به صورت دوم شخص مفرد (منادا)		۶/۱۱	۱۱	۶/۱۱							
تخلص در نقش بدل		۱/۱۱	۲	۰/۵۵	۱						

نمودار شماره (۱): نمودار دایره‌ای درصد داده‌های آماری جدول شماره (۱) تخلص‌های سنائی از نظر شخص و خطاب و درون مایه در غزل.



- 1st Qtr تخلص به صورت سوم شخص مفرد (خبر)
- 2nd Qtr تخلص به صورت سوم شخص مفرد (پند و پیام)
- 3rd Qtr تخلص به صورت سوم شخص مفرد (شرط)
- تخلص به صورت سوم شخص مفرد (پرسش)
- تخلص به صورت سوم شخص مفرد (دعا و آرزو)
- تخلص به صورت دوم شخص مفرد (منادا) (خبر)

آرایه‌های ادبی در بیت تخلص:

در ابیات تخلص آرایه‌های فراوانی مانند استعاره، کنایه، تشبیه، تناسب، تضاد و تلمیح و... وجود دارد مانند:

استعاره:

تو کنون طبع روزگار مگیر

(دیوان سنائی، ص ۸۹۸)

بر سنائی ز دهر بیداد است

« بیداد دهر» و « طبع روزگار»: استعارهٔ مکنیه

کنایه:

تا بدست آیی بتدبیر ای پسر

(دیوان سنائی، ص ۸۹۶)

پای بفشارد سنائی در غمت

پای فشردن: کنایه از اصرار

تشبیه:

مگوئید ای مسلمانان خطا باشد خطا باشد

(دیوان سنائی، ص ۸۵۶)

سنائی از غم عشقت سنائی گشت ای دلبر

غم عشق: اضافهٔ تشبیهی.

تناسب:

سرنگون چون خوشه کرد و حد بچوب تاک زد

(دیوان سنائی، ص ۸۵۳)

می سنائی را همو داد و همو زان پس بجرم

می و جرم و حد: تناسب. خوشه و تاک: تناسب

تضاد:

بیگانه نشست از همه خویش

(دیوان سنائی، ص ۹۱۳)

تا با تو حریف شد سنائی

بیگانه و خویش: تضاد

بعضی مواقع آرایه‌های متعددی در بیت تخلص دیده می‌شود. مانند:

ای یوسف ایام، ز عشق تو سنائی
مانندۀ یعقوب شد از درد جدایی
(دیوان سنائی، ۱۰۲۰)

«یوسف: استعاره از معشوق و محبوب»، «سنائی مانند یعقوب شد: تشبیه»، «یوسف و یعقوب: تناسب»، «یوسف و یعقوب: تلمیح به داستان یوسف و یعقوب»

آرایه‌های ادبی علاوه بر زیبایی سخن، باعث گسترش معنی می‌شود و در خدمت معنی و مفهوم شعر است. هنگامی که ظرفیت عادی زبان، تنگنایی برای شاعر ایجاد می‌کند که نمی‌تواند ما فی الضمیر خود را به راحتی بیان کند، او از ظرفیت‌های غیرعادی زبان استفاده می‌کند. یکی از این ظرفیت‌ها آرایه‌های ادبی است. مثلاً در بیتی کلمه‌ای می‌آید که به داستانی تلمیح دارد. شاعر با آوردن یک کلمه یک داستان را یادآوری می‌کند و در آن موقعیت خاص در بیت به نتایج مناسب و مورد نظر خود می‌رسد و مخاطب نیز بدون هیچ توضیحی مطلب را دریافت می‌کند و این گسترش معنی در قالب کمترین حجم از کلمات اتفاق می‌افتد. وجود آرایه‌های ادبی در شعر بخصوص در بیت تخلص - که معمولاً بیت پایانی است و معمولاً خبر و پیام تأثیر گذار شاعر را منتقل می‌کند - تصادفی نیست. شاعر هوشمندانه دریافت کرده است ابیات پایانی جایگاه مناسبی برای بیان خبر و پیام است و تأثیر این ابیات ماندگارتر از ابیات دیگر است. پس دور از ذهن نیست شاعر کوشیده باشد بیت تخلص را به بهترین شکل لفظی و آوایی و معنایی و مفهومی ارائه کند. چنان‌که درباره حسن تخلص که مربوط به قصیده است - تخلص در غزل نیز از نظر تاریخی ادامه تخلص در قصیده است - در کتاب ترجمان البلاغه آمده است: «و یکی از جمله بلاغت آنست و صنعت کی تخلص نیکوتر بود، و چنان باید کی شاعر تکلف کند و بیت مخلص نیکوتر و قوی‌تر گوید؛ و اگر قوی‌تر نگوید باری کم از بیت‌های دیگر نباید» (رادویانی، ۱۳۶۲، ص ۵۷)

موضوع تخلص در غزل سنائی:

در غزل‌های سنائی مهمترین موضوعی که در بیت تخلص مطرح شده است موضوع «عشق» است. در موارد بسیاری کلمه عشق عیناً در بیت تخلص آمده است و در مواردی نیز مفهوم «عشق» محتوای بیت تخلص را می‌سازد. مانند:

خواهی که یاسائی مانند سنائی تو
هرگز ز می عشقش هشیار نباید شد
(دیوان سنائی، ص ۸۵۸)

بسترد و گفت چونکه سنائی همه ز جهل
بنوشت در هوای غم عشق صد کتیب
(دیوان سنائی، ص ۸۰۲)

از سنائی زارتر در عشق کیست
یا چو تو دلبر بزبائی که دید
(دیوان سنائی، ص ۸۷۷)

بر عاشق اگر سلام نکنی
باری بشنو سلام عاشق
(دیوان سنائی، ص ۹۱۵)

در ابیات تخلص در غزل سنائی مطالب گوناگون دیگری هست که پند و نصیحت شاخص‌ترین آن‌هاست. مانند:

اینست نصیحت سنائی
عاشق نشوی اگر توانی
(دیوان سنائی، ص ۱۰۴۱)

پند سنائی گوش کن، غم چون رسد و نوش کن
چون شادی آید گوش کن، الصبر مفتاح الفرج
(دیوان سنائی، ص ۸۳۷)

همچو سنائی ز دورویان عصر
روی بگردان کسه نیابیش روی
(دیوان سنائی، ص ۱۰۴۵)

در جمله همیشه با سنائی
کاری که کنی تو بی ریا کن
(دیوان سنائی، ۹۷۸)

ای سنائی در فراقش صابری را پیشه گیر
جز صبوری کردن اندر عاشقی تدبیر چیست
(دیوان سنائی، ص ۸۲۴)

وجود مفاهیم و موضوعاتی مانند «عشق» و کلماتی که معنی عشق دارد از ویژگی‌های مفهومی غزل است. این مفاهیم در ابیات تخلص در غزل سنائی به طور تمام و کمال خود را نشان می‌دهد. این خود می‌تواند نشانه‌ای باشد بر این مطلب که بیت تخلص در واقع خلاصه و چکیده شعر است و از بیت تخلص می‌توان به محتوای شعر پی برد و فکر و اندیشه شاعر را دریافت.

جایگاه تخلص در غزل سنائی:

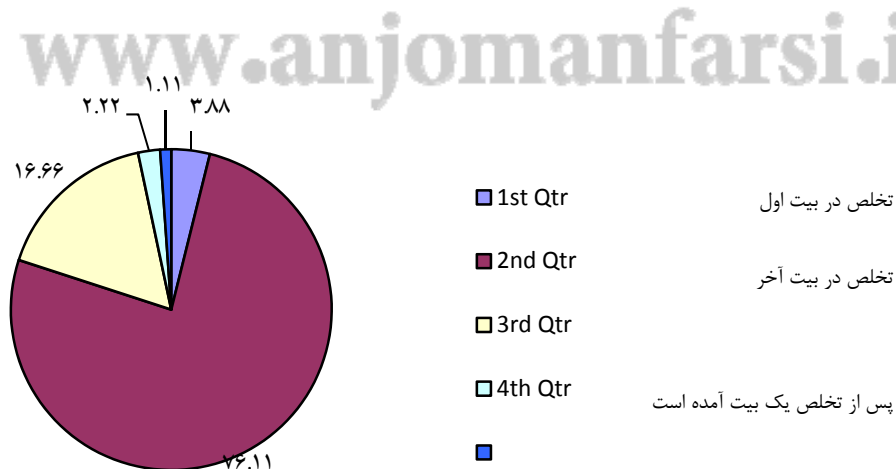
حدود ۴۴ درصد از غزل‌های سنائی دارای تخلص است. که معمولاً تخلص در بیت پایانی آمده است و در مواردی نیز پس از بیت تخلص یک یا چند بیت آمده است. کمیت آماری جایگاه بیت تخلص در غزل سنائی طبق جدول فراوانی نسبی و درصد تقریبی زیر محاسبه و ارائه می‌گردد. (۲) در پایان نیز این کمیت آماری به صورت نمودار دایره‌ای ارائه گردیده است. (۲)

جدول شماره (۲): جدول فراوانی نسبی و درصد تقریبی جایگاه بیت تخلص در غزل سنائی

جایگاه تخلص در ابیات غزل	تعداد	درصد نسبت به غزل‌های دارای تخلص
تخلص در بیت اول	۷	۳/۸۸
تخلص در بیت آخر	۱۳۷	۷۶/۱۱
پس از تخلص یک بیت آمده است	۳۰	۱۶/۶۶
پس از تخلص دو بیت آمده است	۴	۲/۲۲
پس از تخلص سه بیت آمده است	۲	۱/۱۱

نمودار شماره (۲): نمودار درصد دایره‌ای داده‌های آماری جدول شماره (۲)

جایگاه تخلص در غزل سنائی



نتیجه گیری

- ۱- سنائی تخلص را بیشتر به صورت سوم شخص مفرد بکار برده است که معمولاً جنبه خبری دارد. در مواردی نیز تخلص را به صورت دوم شخص مفرد (منادا) به کار برده است که گاهی جنبه خبری و گاهی پند و پیامی در بردارد.
- ۲- خبر و پیامی که در تخلص سنائی آمده است خبر و پیامی انسانی است. به عبارت دیگر تخلص مربوط به شاعر است ولی محدود به او نیست و خبر و پیام او عمومی است دلیل این مطلب اینکه این خبرها و پیامها جنبه شخصی و فردی ندارد.
- ۳- شاعر در تخلص به صورت منادا پند و پیامی می دهد ولی چون خود را مورد خطاب قرار می دهد، پند او آزردهنده و تکلیف گرایانه نیست بلکه خردگرایانه است.
- ۴- تخلص از نظر آوایی و تعداد هجا به گونه ای است که شاعر را در تنگنای وزن و قافیه گرفتار نکند. تخلص سنائی نیز این ویژگی را دارد و معمولاً شاعر را در تنگنای وزن و قافیه اسیر نکرده است.
- ۵- تخلص از نظر مفهوم با همت و شخصیت شاعر و شعر و کلام او هماهنگی دارد. چنان که ملاحظه می شود تخلص «سنائی» به مفهوم بلندی و رفعت و نور با مفهوم شعر عرفانی او هماهنگی دارد.
- ۶- تخلص شاعر می تواند جنبه بازدارندگی نیز داشته باشد و باعث شود شاعر در راستای مفهوم تخلص خود شعر بسراید.
- ۷- موضوع و درون مایه اصلی بیت تخلص در غزل سنائی «عشق و دلدادگی» است. موضوع غزل نیز عشق و دلدادگی است. این هماهنگی محتوای غزل با بیت تخلص می تواند ما را به جایی رساند که بپذیریم بیت تخلص خلاصه ای از شعر است و معمولاً خبر و پیام غزل را می توان در بیت تخلص جستجو کرد.
- ۸- معمولاً تخلص در بیت پایانی غزل سنائی آمده است که این مطلب بیانگر آن است که شاعر به طور تصادفی بیت آخر را برای تخلص انتخاب نکرده است بلکه هوشمندانه دریافته است سخن آخر تأثیرگذارتر است و تأثیرش پاینده تر.

فهرست منابع: همایش پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی

- ۱- براون، ادوارد، *تاریخ ادبیات ایران*، از فردوسی تا سعدی، نیمه دوم، ترجمه غلامحسین صدری افشار، چاپ سوم، تهران، انتشارات مروارید، ۱۳۶۶.
- ۲- پرینیان، موسی، «تخلص پنهان» مجله پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، (۴۶-۴۷)، ۱۵۸-۱۵۹، تابستان و پاییز ۱۳۸۰، صص ۳۳۵-۳۶۵.
- ۳- خاقانی شروانی، افضل الدین، *دیوان اشعار*، به کوشش ضیاءالدین سجادی، چاپ سوم با تصحیح مجدد، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۶۸.
- ۴- خیامپور، ع، *فرهنگ سخنوران*، تبریز، چاپخانه شرکت سهامی، چاپ کتاب آذربایجان، آبان ماه ۱۳۴۰.
- ۵- دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه*، چاپ اول از دوره جدید، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، بهار ۱۳۷۳.
- ۶- رادویانی، محمد بن عمر، *ترجمان البلاغه*، به تصحیح و اهتمام احمد آتش، چاپ دوم، تهران، شرکت انتشارات اساطیر، ۱۳۶۲.
- ۷- سنائی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم، *دیوان اشعار*، به کوشش مدرس رضوی، چاپ سوم، انتشارات کتابخانه سنائی، ۱۳۶۲.
- ۸- شفیعی کدکنی، محمدرضا، *زمینه اجتماعی شعر فارسی*، چاپ اول، تهران، نشر اختران، ۱۳۸۶.
- ۹- شمیسا، سیروس، *سیر غزل در شعر فارسی*، چاپ سوم، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۷۰.

- ۱۰- صفاء، ذبیح الله، *تاریخ ادبیات ایران*، چاپ هفتم، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۶۶.
- ۱۱- معین، محمد، *فرهنگ فارسی*، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۰.
- ۱۲- نبوی نژاد، حسام الدین، «*نام مستعار (تخلص)*»، فصلنامه فرهنگ، ادب و تاریخ زنده رود، شماره ۲۸ و ۲۹، پاییز - تابستان ۱۳۸۲، صص ۱۰۱ - ۱۲۰.
- ۱۳- نفیسی، علی اکبر (ناظم الاطباء)، *فرهنگ نفیسی*، تهران، کتابفروشی خیام.
- ۱۴- نیک منش، مهدی، «*راز تخلص در شعر فارسی*»، رشد آموزش زبان و ادب فارسی، ۱۷ (۶۵)، بهار ۱۳۸۲، صص ۳۸-۴۳.
- ۱۵- همایی، جلال‌الدین، *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، چاپ دوم، تهران، انتشارات توس، ۱۳۶۱.



دانشگاه هرمزگان



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی

هفتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

www.anjomanfarsi.ir